

# گفتری بر تفسیر شریف کسر الدقایق و بحر الغرایب

و مفسر بزرگ آن میرزا محمد مهدی

ابراهیم کلانتری

مدخل

تلاش های طاقت فرسای عالمان و اندیشمندان حوزه علوم دینی، از ابتدای نضج و بالندگی تا کنون، میراث گرانسنگ و ارزشمندی برای پژوهشگران این حوزه به حساب می آید که فحوص و جست و جو در آن نتایج شیرین و ثمرات گرانبهائی را در پی خواهد داشت. یکی از این حوزه ها، حوزه علوم قرآن و تفسیر است که آغاز آن به زمان پربرکت حیات رسول گرامی اسلام ﷺ بازمی گردد. از همان دوره پربرکت و در دوران حیات امام معصوم ﷺ تا کنون جمع بزرگی از شیفتگان و علاقمندان به قرآن کریم با سعی و تلاش بیدریغ و جانفروسی خود به فراگیری، تبیین، تعلیم و تفسیر این کتاب آسمانی پرداخته اند و از رهگذر کوشش خالصانه آنان خدمتی بزرگ به ساحت قرآن کریم صورت پذیرفته است.

امروز با گذشت بیش از یک هزار و چهارصد سال از نزول اولین آیات الهی بر پیامبر گرامی،

بیت

شماره  
۲۴  
۴۲

در اثر هدایت‌های مشفقانه آن پدر مهربان امت و راهگشایی‌های اوصیای گرانقدرش و نیز تلاش‌ها و سخت‌کوشی‌های دانش‌آموختگان مکتب پر برکت معصومین علیهم‌السلام گنجینه‌ای عظیم از کتاب‌های علوم و تفسیر قرآن پدید آمده و به برکت آنها میلیون‌ها انسان حق‌طلب در اعصار گوناگون و در اقصی نقاط کره‌خاکی از چشمه‌سار پاک و حیات بخش کتاب آسمانی قرآن سیراب شده‌اند.

تحقیق و پژوهش در آیات قرآن از زاویه‌های مختلف و دست‌یابی عالمان و پژوهشگران به نکات نو و بدیع و به دنبال آن گردآمدن آثار جدید، سبب شده است که روزبه‌روز بر عمق و غنای این گنجینه ارجمند افزوده شود و به تبع آن جمع بیشتری از انسانها بر محور قرآن گرد آیند. رواج و بالندگی علوم قرآن در عصر حاضر و افزایش عشق و علاقه شمار بسیاری از آدمیان به این علوم و شکل‌گیری مراکز تحقیقی و پژوهشی متعددی در همین راستا قبل از هر چیز مرهون همان تلاش‌های مشکور و خداپسندانه‌ای است که خدمتگزاران این کتاب آسمانی در گذشته متحمل شده‌اند. از این رو توجه جدی به آثار وزین گذشتگان و خوشه‌چینی از خرمن پربرکت علم آنان وظیفه‌ای است که هرگز نباید مورد غفلت قرار گیرد.

نوشتار حاضر گذری است کوتاه بر «تفسیر کنز الدقایق» که به حق یکی از آثار ارزنده گذشتگان در تفسیر قرآن کریم به حساب می‌آید. امید است این گام ناچیز مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد و به نتایج مطلوب و میمونی منتهی گردد. ان شاء الله.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

خلاصه‌ای درباره مؤلف کتاب

مؤلف گرامی تفسیر شریف «کنز الدقایق و بحر الغرائب»، مرحوم میرزا محمد المشهدی ابن محمدرضا بن اسماعیل بن جمال الدین القمی است. وی از شاگردان مولی محمد محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱) و بنا به گفته محقق نوری از شاگردان علامه محمدباقر مجلسی (ره)، صاحب دائرة المعارف بزرگ شیعه، بحار الانوار بوده است. ۱.

تاریخ دقیقی از وفات او در دست نیست لیکن می‌توان از تاریخ تألیفات متعددش حدس زد که وی تا سال ۱۱۲۵ هجری قمری زنده بوده است. ۲.

صاحب منتخب التواریخ (حاج محمد هاشم خراسانی) در ص ۶۷۹ همین کتاب در ذکر



مدفونین [از علمای خراسان] در اصفهان، محل وفات و دفن میرزا محمد مشهدی را اصفهان دانسته و چنین می گوید:

بیست و سوم، محمد بن محمد رضا القمی صاحب تفسیر کنز الدقایق در چهار مجلد، ایشان از تلامذۀ مرحوم علامه مجلسی بوده و مجلسی ثنای بلیغی از ایشان و از تفسیر کنز الدقایق فرموده است.

این سخن صاحب منتخب التواریخ با آنچه ایشان در ص ۶۴۱ همین کتاب آورده است قابل جمع نیست. وی در صفحه مذکور در ضمن ذکر عرفا و صوفیه خراسان چنین می گوید:

دهم - جناب آقا میرزا محمد المشهدی الطوسی، صاحب تفسیر کنز الدقایق و بحر الخرائب، ابن مولانا اسماعیل، ایشان از تلامذۀ مرحوم فیض بوده، تاریخ ولادت و رحلت و محل دفنشان معلوم نیست. ۳.

از کلمات صاحب روضات الجنّات، در خصوص کتاب «الفهرس» تألیف شیخ منتجب الدّین، استفاده می شود که والد میرزا محمد مشهدی، یعنی مولی محمدرضا مشهدی، از شاگردان شیخ بهاء الدین عاملی (شیخ بهایی) (قد) بوده است. سخن صاحب روضات الجنّات از این قرار است:

ورأیت فی تبریز نسخة بخط بعض الأفاضل، ولعله المولی محمدرضا المشهدی تلمیذ الشیخ البهائی. ۴.

از عبارت بالا استفاده می شود که والد میرزا محمد مشهدی ساکن مشهد مقدس بوده و وی آنجا در زمان اقامت مرحوم شیخ بهایی در محضر او شاگردی کرده است. همان گونه که خود میرزا محمد هم، حیات علمی خویش را در آن شهر مقدس سپری نموده و در پایان بسیاری از تألیفاتش به این موضوع تصریح کرده است. بنابراین نسبت ایشان به «قم» که در ابتدای همین بحث در عنوان او ذکر گردید و خودشان نیز در مقدمه تفسیر در معرفی خویش آورده اند، به لحاظ اجدادشان بوده است. سید امین نیز زادگاه و محل سکونت او را مشهد و اصل او را قمی دانسته و در این باره چنین می گوید:

المشهدی المولد والمسکن، القمی الاصل. ۶.

میرزا محمد مشهدی اگر چه در زمینه های اخلاق، فقه، تاریخ ائمه علیهم السلام و... صاحب نظر



و تألیفات متعددی بوده<sup>۷</sup>؛ لیکن تبخّر و تخصص اصلی اش در علم تفسیر بوده است. وی علم تفسیر را رأس همه علوم دینی و سنگ بنای همه قواعد شرع مقدس می دانسته و در راه وصول به آن از هیچ کوششی دریغ نورزیده است. او معتقد بود دستیابی منطقی و قابل اعتماد به علم تفسیر قبل از هر چیز منوط به تفوق در علوم دینی و انواع صنایع ادبی است. عین سخن او را از مقدمه تفسیر محل بحث در ذیل آورده ایم:

ان اولی ما صرفت فی تحصیله کنوز الأعمار، وانفقت فی نیله المهج والأفکار، علم التفسیر الذی هو رئیس العلوم الذینیة ورأسها، و مبنی قواعد الشرع و اساسها، الذی لا یتم لتعاطیه واجالة النظر فیہ، الا من فاق فی العلوم الذینیة کلها، والصناعات الأدبیة بانواعها.<sup>۸</sup>

میرزا محمد مشهدی قبل از آنکه به تألیف تفسیر شریف «کنز الدقایق و بحر الغرائب» پردازد، به حسب همان تخصص، علاقه و اعتقادی که به علم تفسیر داشته، تعلیقاتی بر تفسیر کشاف زمخشری و حاشیه شیخ بهایی (قد) بر تفسیر بیضاوی نگاشته است.<sup>۹</sup>

### ستایش بزرگان از شخصیت نویسنده و تفسیر او

شخصیت ممتاز علمی میرزا محمد و تلاش ماندگار و ارزشمند او در تفسیر محل بحث، تحسین و مدح جمعی از بزرگان و فرهیختگان را در پی داشته است. علامه خبیر محمد باقر مجلسی (قد) در ستایش و مدح میرزا محمد و اثر ارجمندش این گونه نگاشته اند:

لله در المولى الفاضل الكامل المحقق المدقق البذل الخبير الأرشيد ميرزا محمد مؤلف هذا التفسير لازال الثاقب ونقاد جواهر الحقايق برأيه الصائب اعنى الخبير الأرشيد ميرزا محمد مؤلف هذا التفسير لازال مشمولاً بعنايات الربّ القدير، فلقد أحسن واتقن وأفاد وإجاد وفسّر الآيات البيّنات بالاثار المروية عن الأئمة السادات.<sup>۱۰</sup>

محدث نوری (ره)، میرزا محمد را عالمی بزرگ، مفسری برجسته و دانشمندی متبحر و با

تقوا می داند و درباره تفسیر کنز الدقایق چنین می گوید:

... تفسیر کنز الدقایق در چهار مجلد بزرگ از بهترین تفسیرها و جامع ترین و کامل ترین آنها و نافع تر از تفسیر صافی و تفسیر نورالقلین است. بر پشت مجلد اول آن ستایشی عظیم و ثنایی

ریسا از علامه مجلسی (ره) برای میرزا محمد و تفسیرش و اجازه روایت به وی، دیده ام.<sup>۱۱</sup>

بنا به نقل سید محسن امین، مرحوم آقا جمال الدین خوانساری (قدس سره) تقریظی جامع بر تفسیر «کنز الدقایق» نگاشته و در آن بر مراتب فضل، علم، دقت و تلاش میرزا محمد و اعتبار، اهمیّت و جایگاه علمی تفسیر مذکور تأکید فراوان داشته است. ۱۲

صاحب روضات الجنّات، میرزا محمد را نویسنده‌ای دانشمند، با تقوا، ادیب، محدّث، فقیه و مفسّری آگاه شمرده است و در خصوص تفسیر «کنز الدقایق» می‌گوید:

... کتابی است بزرگ در تفسیر قرآن با احادیث اهل بیت عصمت علیهم السلام که هیچ مؤلّفی قبل از

او همانند آن را تأیید نکرده است.

وی معتقد است تفسیر «کنز الدقایق» به جهت بیان سند روایات، ذکر تناسب آیات با همدیگر، حلّ و فصل مشکلات الفاظ آیات، بیان وجوه مختلف اعراب، تبیین لغات و قرائت‌های مختلف، بر تفسیر نور الثقلین برتری دارد. ۱۳

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی (ره) نیز بر این باور است که تفسیر «کنز الدقایق» به سبب بیان سند روایات، ذکر ارتباط آیات با همدیگر و بیان وجوه اعراب، از تفسیر نور الثقلین برتر است. ۱۴

استاد عالیقدر، آیت الله معرفت (دام ظلّه) تفسیر «کنز الدقایق» را تفسیری کامل، جامع و غنی می‌داند که رجوع به آن، محقّق را از مراجعه به بسیاری از تفسیرهای معتبر بی‌نیاز می‌کند. ۱۵

### روش تفسیری کنز الدقایق

روشی که میرزا محمد مهدی از ابتدای تفسیر در پیش گرفته است، حاکی از این حقیقت است که وی بالأصالة در صدد تألیف و فراهم آوردن یک دوره کامل از تفسیر قرآن کریم منطبق با روایات رسیده از ناحیه پیامبر گرامی ﷺ و اهل بیت عصمت علیهم السلام بوده است.



وی در مقدمه کوتاه خود پس از حمد و ثنای خداوند بزرگ و تحیّت و درود بر پیامبر گرامی ﷺ و خاندان بزرگوارش علیهم السلام، به اختصار به معرفی خود پرداخته و سپس با نقل پنج روایت از معصومین علیهم السلام بدون هر گونه شرحی مقدمه را به پایان رسانده و تفسیر سوره حمد را آغاز کرده است.

آغاز تفسیر کنز الدقایق با همین پنج روایت و دقت در مضمون آنها، به خوبی نمایانگر اتخاذ



شیوه‌ای از تفسیر منقول از سوی مؤلف است که مبتنی بر سه فرض ذیل است :

**الف :** حجم عظیمی از آیات قرآن کریم در شأن و منزلت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نازل شده است که بنا بر مضمون سه روایت از پنج روایت ذکر شده در مقدمه کتاب، این مقدار، یک چهارم از مجموع آیات قرآن را شامل می‌شود. مفسری که در صدد تفسیر منقول قرآن کریم است باید این حقیقت را به دقت مورد توجه قرار دهد.

**ب :** قرآن دارای مراتبی از ظاهر و باطن و وجوه گوناگونی از تفسیر و تأویل است. برای دستیابی به فهم صحیح این مراتب و وجوه، عقل آدمی در ردیف ابراز غیر قابل اعتماد و کندی است که تکیه بر آن برای نیل به این مقصود مهم چندان کارساز نیست. راه مطمئن پیش روی مفسر قرآن بیانات و هدایت‌های نورانی اهل بیت علیهم السلام است.

**ج :** تو در تویی ظاهر و باطن قرآن کریم و ذو وجوه بودن آیات آن سبب اصلی صدور روایت‌های مختلف در تفسیر آیات است.

روایت‌های گوناگون در تفسیر یک آیه، به معنی تعارض و تناقض گویی نیست که هر یک به اقتضای توان و فهم شنونده، زمان صدور و دهها عامل دیگر در صدد پرده برداری و راز گشایی از مرتبه‌ای از ظاهر و یا باطن و وجوه گوناگون از محتوای آیات است.

سه فرض بالا که مضمون پنج روایت مذکور در مقدمه مؤلف است آن گونه در باور وی ریشه داشته که آثار آنها در جای جای تفسیر «کنز الدقائق» قابل رؤیت است.

در آغاز کار تفسیر پس از ذکر عنوان بحث (سورة الفاتحة) دوازده روایت را پی در پی در عظمت، شأن و فضل سورة فاتحه نقل کرده و آن گاه اولین آیات نورانی این سورة را آورده و بلافاصله به ذکر روایات دیگری پرداخته است. این روش در ابعادی وسیع تا پایان کتاب تداوم یافته و در نتیجه آن تفسیری به شیوه منقول پدید آمده است.

تأثیر فرض اول نیز از ابتدا تا انتهای تفسیر بر روش مؤلف نمایان است. در تفسیر آیه شریفه «اهدنا الصراط المستقیم» (حمد، ۱ / ۶)، بیش از ده روایت نقل می‌کند که مضمون همه آنها این است که مراد از صراط مستقیم حضرت امام علی علیه السلام و سایر امامان معصوم علیهم السلام است. در ذیل آیه شریفه «ذلک الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین» (بقره، ۲ / ۲)، این گونه آورده است: «قال ابو جعفر علیه السلام: الكتاب امیر المؤمنین، لاشک فیه انه امام هدی.»

در تفسیر «غیب» در آیه سوم سوره بقره چنین می گوید:

احتمال دارد که مراد از «غیب» قیام امام عصر (عج) باشد، ودلالت دارد بر آن روایتی که داود

رقی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «**مَدَى لِّلْمُتَّقِينَ**» (بقره، ۲/۲۰۲)

نقل کرده است، قال علیه السلام، من اقر بقیام القائم علیه السلام انه حق.

پس از ذکر روایت فوق، روایت دیگری را از یحیی بن ابی القاسم آورده است:

قال، سألت الصادق علیه السلام عن قول الله عزوجل، **الم. ذلك الكتاب لا ريب فيه مَدَى لِّلْمُتَّقِينَ**. **الَّذِينَ**

**يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ**، فقال، المتقون شيعه على علیه السلام والغيب هو الحجة الغائب. ۱۱

تطبیق هایی از این دست تا پایان کتاب تداوم یافته و خواننده می تواند با مراجعه به این تفسیر،

موارد متعددی از آن را بیابد.

ذکر روایات مختلف با مضمون های متفاوت در ذیل یک آیه نیز که به فراوانی در این تفسیر،

یافت می شود، متأثر از همان باوری است که در فرض سوم یادآوری گردید.

آنچه به اختصار ذکر شد، به خوبی نشان می دهد که تفسیر «کنز الدقایق» به لحاظ روش در

گروه تفسیرهای منقول قرار دارد؛ لیکن نکته مهم این است که مولف سخت کوش و صاحب نبوغ

آن در پاره ای از موارد به اقتضای تبخّر خود به اجتهادهای دقیق که حاکی از قوت علمی و تسلط

فنی اوست پرداخته و بدین وسیله بر عظمت و ارزش وافر کار خود افزوده است.

وی در بیان قرائت صحیح «مالک» در آیه شریفه «**مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ**» (حمد، ۴/۱) ابتدا اقوال و

احتمال های مختلف را نقل کرده و سپس خود قرائت «**مَلِكٍ**» را بر «**مَالِكٍ**» ترجیح می دهد و بر

رای خود با پنج دلیل به شرح ذیل استدلال می نماید:

۱. «**مَلِكٍ**»، قرائت اهل حرمین است و بر قرائت سایرین ترجیح دارد.

۲. «**رَبِّ**»، که در دو آیه قبل آمده، به معنی «مالک» هم استعمال شده است از این رو قرائت

«مالک» در این آیه مستلزم تکرار مُخَلّ خواهد بود.

۳. در سوره ناس که نظیر سوره حمد است بعد از ذکر «**رَبِّ**» کلمه «مالک» آمده و این خود

قرینه ای است بر اولویت «مالک» در این سوره.

۴. «مالک» به لحاظ مفهوم عامش توسعه بیشتری بر «مالک» دارد زیرا اطلاق «مالکیت» بر

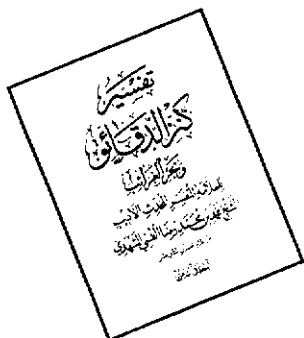
شخصی به مجرد مالکیت او بر شیئی ناچیزی، صادق است در حالی که اطلاق «مالک» ممکن



نیست مگر با احاطه و مالکیت شخص بر مقدار زیاد.

۵. قرائت «ملک» با دو آیهٔ اوّل سوره تناسب دارد. ۱۷.

استنباط‌هایی از نوع بالا نیز به گونه‌ای چشمگیر در تفسیر «کنز الدقائق» یافت می‌شود که این خود تا اندازه‌ای تفسیر مذکور را از نقلی صرف خارج کرده است.



### ملاحظات

ارزش والای کار علمی و تلاش مشکور میرزا محمد مشهدی (ره) که ثمرهٔ طیبهٔ آن به اذن خداوند مهربان، مائدهٔ آسمانی علوم قرآن و تفسیر را مزین نموده و شاهد شیرین آن کام حق طلبان را در طول سالیان متمادی شیرین ساخته است،

بر هیچ محقق منصفی پوشیده نیست. آنچه در ذیل می‌آید تنها ملاحظات است که به ذهن قاصر راقم این سطور رسیده و ذره‌ای از عظمت و ارزش بلند آن کار عظیم نمی‌کاهد.

۱. اساس و بنیاد تفسیر منقول بر نقل و آثار مأثور از پیامبر گرامی ﷺ و خاندان پاکش علیه السلام استوار است. همین ویژگی نقطه اصلی تمایز این نوع تفسیر با تفاسیر از نوع اجتهادی است که هر یک در نوع خود شیوه‌ای کارآمد و مفید و برخوردار از ابزارهای مخصوص بخود دارد. اتکا بر نقل، اگر چه از همان ابتدا مفسر را از ورود به عرصهٔ استدلال، احتجاج و براهین عقلی و پیچیده و تبعات طبیعی آن و از جمله گرفتار آمدن در دام تفسیر به رأی دور نگه داشته و از این بابت کار را بر او سهل می‌کند؛ لیکن مشکلات تازه‌ای پیش روی مفسر می‌گذارد که در نوع خود بسیار جدی و دارای اهمیت اند.

شرط اول تکیه بر روایات و آثار منقول، اطمینان و وثوق به صدور آنها از ناحیهٔ معصومین علیه السلام است و رسیدن به چنین مرحله‌ای از اطمینان، کار مفسر را در مسیری صعب العبور قرار داده و مشکلات طاقت‌فرسایی برای او پدید می‌آورد.

لزوم حصول اطمینان به صحت و یا سقم روایت، مستلزم آن است که مفسر، ابتدا منابع و سلسلهٔ اسناد تک تک روایات مورد نظر خود را به دقت بررسی کند و پس از حصول اطمینان به صدور و صحت، آنها را در تفسیر آیات بکار گیرد. عدم رعایت این مهم به هر میزان، سبب



ضعف و سستی تفسیر به همان میزان می‌گردد. به نظر می‌رسد تفسیر شریف «کنز الدقایق» به مقدار اندکی با همین نقیصه دست به گریبان است.

استناد و نقل روایت از تفسیر فرات کوفی که اعتبار آن مورد تردید جدی است و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام که بنا به رأی جمع کثیری از محققان فاقد اعتبار است و تفسیر علی بن ابراهیم قمی که حداقل در جمعی از روایاتش مورد وثوق نیست، ناشی از عدم رعایت این مهم است. ۱۸.

مطالعه دقیق تفسیر «کنز الدقایق» خواننده گرامی را به موارد متعددی از نقل روایات ضعیف واقف می‌سازد که بررسی و ذکر آنها از حوصله این مختصر خارج است.

۲. بسیاری از روایات رسیده از ناحیه معصومین علیهم السلام در

صورتی که به لحاظ سندی، قابل اطمینان باشند تنها در صد بیان مصداق‌های عینی و کامل آیات قرآن کریم هستند نه در مقام بیان مراد و محتوای جامع آیات. در تفسیر وحی، این حقیقت باید مورد توجه جدی مفسر قرار گیرد که کار او کشف مراد و محتوای جامع آیات قرآن که خود دارای مصداق متعدد در زمان‌های گوناگون است، می‌باشد.



بکارگیری این دسته از روایات (روایاتی که بیانگر مصداق‌ها هستند) برای تفسیر آیات نه تنها تفسیر به معنی صحیح شمرده نمی‌شود که در مواردی موجب سوء تفاهم و مخل به مقصود خواهد بود. این دومین مشکلی است که بسیاری از تفسیرهای منقول با آن روبرو هستند. به نظر می‌رسد این تفسیر نیز تا اندازه‌ای با همین مشکل مواجه است. نقل بسیاری از روایات که به نحوی آبی از قرآن را با معصومین علیهم السلام تطبیق داده‌اند، در ذیل آیات، بدون هر گونه شرح و توضیحی از این نمونه است که خواننده گرامی خود می‌تواند موارد متعدد آن را در این تفسیر بیابد.

۳. پاره‌ای از روایات معتبر که در آنها آبی از قرآن کریم بر امامان معصوم علیهم السلام تطبیق یافته است، به منزله اسراری است که درک صحیح آنها در خور فهم همگان نیست. نقل این گونه روایات در ذیل آیات قرآن و در کنار روایاتی با مضامین متفاوت نه تنها کمکی به رازگشایی و پرده‌برداری از آیات نمی‌کند که می‌تواند ابهام و انکار را برای اذهان عادی در پی داشته باشد. از



این رو شایسته است در تفسیر منقول این نکته دقیق مورد توجه قرار گیرد، اسرار اهل بیت علیهم السلام برای خواص و اهل آن واگذاشته شود و از قرار دادن آنها در معرض قضاوت ناهلان پرهیز شود.

۱. محدث نوری، الفیض القدسی، نقل از بحار الأنوار، ۱۰۲/۱۰۰.
۲. مقدمه تفسیر کنز الدقایق و بحر الغرائب، استاد آیت الله محمد هادی معرفت، چاپ جامعه مدرسین / ۱۶.
۳. حاج محمد هاشم خراسانی، منتخب التواریخ.
۴. محمد باقر موسوی خوانساری، روضات الجنات، ۴/۳۱۹.
۵. تفسیر کنز الدقائق، ۱/۱۹.
۶. سید محسن امین، اعیان الشیعه، ۹/۴۰۸، چاپ دار التعارف، بیروت.
۷. برای آگاهی از تألیفات میرزا محمد مشهدی رجوع کنید به: مقدمه حضرت استاد آیت الله معرفت بر تفسیر کنز الدقائق.
۸. تفسیر کنز الدقائق، ۱/۲۰.
۹. همان / ۲، ۲۱.
۱۰. بحار الأنوار، ۱۰۲/۱۰۰، پاورقی.
۱۱. همان.
۱۲. اعیان الشیعه، ۹/۴۰۸.
۱۳. روضات الجنات، ۷/۱۱۰، ۱۱۱.
۱۴. شیخ آقابزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعه، ۱۸/۱۵۲، چاپ بیروت.
۱۵. مقدمه استاد معرفت بر تفسیر کنز الدقایق، ۱/۱۲.
۱۶. تفسیر کنز الدقایق، ۱/۸۶.
۱۷. همان / ۵۱، بانندی تغییر و تلخیص.
۱۸. در خصوص این سه تفسیر رجوع کنید به: اصول علم الرجال، بین النظرية والتطبيق، محمد علی علی صالح المعلم، چاپ نمونه، قم.



رتال جامع علوم انسانی

